

شروع فرهنگ تقریب، در خانواده است!



زندگی هر انسانی در سایه رفت و آمد ها شکل و رنگ می گیرد. اینکه یک نفر در جزیره تنهایی خودش باشد و هیچ کسی از حال او با خبر نباشد، نه شدنی است و نه درست؛ زیرا انسان با نفس کشیدن در کنار یک یا چند نفر زنده است. در این دنیا که دهکده جهانی می نامندش، به ازای هر انسان، یک باور و نظر وجود دارد، اما مأنوس شدن با یکدیگر به تبادل نظر و گفتمان و همگرایی نیاز دارد. بی گمان، خداوند نزدیک شدن و تعامل و گفتگو را دوست دارد و از قهر و دوری بیزار است، مسئله ای که به عنوان یک دستور دینی و بشری به همگان توصیه می کند با هر مشکل و مسئله ای به گفتگو و گفتمان، باورمند باشند و از محبت میان همدیگر غافل نشوند که مهربانی، نه تنها پشیمانی ندارد بلکه پاداش و سود دنیایی و آخرتی دارد.

تقریب و تعامل، در فطرت انسان است

مقوله وحدت، تقریب، انسجام، تعاون، تعامل و همکاری، امری انسانی و بشری است که بدون هیچ آموزشی در فطرت انسان اجتماعی بوده و هست؛ یعنی انسان بدون اینکه از کسی یاد بگیرد، برای در امان ماندن از حوادث و رسیدن به اهداف خود به طور ذاتی به وحدت و انسجام توجه داشته است. همه ادیان نیز به تعامل، انسجام و وحدت توصیه می‌کنند و عقل هم بر وحدت و تقریب حکم می‌کند و اگر کسی خلاف آن رفتار کند در واقع، برخلاف حکم عقل، رفتار کرده است، زیرا دستور عقل این است که در زمان اختلاف‌ها به گفتگو بپردازیم تا به اشتراک برسیم. دین اسلام در این زمینه تکالیف روشنی دارد، اینکه قرآن کریم به انسان دستور می‌دهد اهل تقریب و نزدیک شدن به یکدیگر باشید و به گونه‌ای رفتار نکنید که به سود دشمن باشد و به پیامبر می‌گوید که در برابر استکبار، مقاومت کن، به این معنی است که خداپاوران، افزون بر توجه به بندگی و دینداری، باید در برابر دشمن بایستند و تنها راهکار برای این دستور الهی، وحدت است.

فرهنگ گفتمان و وحدت، یک راهبرد است

وقتی این فرهنگ ایجاد شود، امتی شکل می‌گیرد که در بندگی خدا، نمونه و الگوی وحدت بشریت است و از این رو پیامبر اسلام و این دین الهی، راه مستقیم معرفی شده و هر تفرقه و اختلافی به دوری از حق منجر می‌شود و انسان را به بیراهه می‌برد.

به عبارت دیگر، عمل به دستور همدلی و نزدیک شدن دل‌ها، آدمی را به پیروزی نزدیک می‌کند هر چند به شکل طبیعی، انسان‌ها در مسیر خودشان به مشکلاتی نیز برخورد می‌کنند. وحدت، همیشه به نقطه مشترک نیاز دارد. وحدت، تقریب و نزدیک شدن به یکدیگر، یک راهبرد برای پیشبرد اسلام ناب است و تنها باید بر مدار مشترکات محقق شود تا به «امت واحده» که الگوی تمدن نوین اسلامی است، برسد.

خانواده و تقریب

نقطه مشترک در خانواده، اعضای آن هستند. وقتی این اصل مشترک را پذیرفتیم برای رسیدن به خانواده‌ای خوب تلاش می‌کنیم که محبت، پشتیبانی و یاوری یکدیگر و از سوی دیگر، نگه‌داشتن حرمت بزرگ‌ترها و ترجمه به کوچک‌ترها و سپاس و ادب در خانواده منظومه‌ای را شکل می‌دهد که به تحکیم آن می‌انجامد. از این رو، ازدواج در مسیر وحدت است و سپس، خانواده برمدار دینداری به عرصه‌ای به نام همسایه گسترش می‌یابد و جلوه‌ای از تقریب را شکل می‌دهد و این منظومه در ابعاد اجتماعی دیگر مانند کار و زندگی شهر و روستا نیز محقق می‌شود.

بر اساس همین دیدگاه، سبک زندگی اسلامی و دینی، سبک زندگی تقریب و وحدت است که بر مدار مشترکات به انسجام می‌رسد. از این رو مهدویت، الگوی تقریب است که بر پایه خدا، کتاب و دین واحد، جامعه

انسانی را شکل می‌دهد.

زورگویی، خط قرمز گفتگو است

با این همه، ما با هر کسی که حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد، مشکلی نداریم و زندگی مسالمت‌آمیزی هم داریم. برای همین است که وقتی صهیونیسم خود را صاحب سرزمین فلسطین می‌داند و ما این تفکر غاصبانه را می‌سنجیم، می‌بینیم امکان زندگی مسالمت‌آمیز با این «ذاتِ مشکل‌دار» نیست. در واقع منفعت‌طلبی، قابل گفتگو و زندگی مسالمت‌آمیز است، اما با زورگویی و استکبار نمی‌توان کنار آمد. مسلمانان در بستر اجلاس وحدت می‌توانند گفتگو داشته باشند و درباره کشور‌های غیر مسلمان نیز می‌شود با تکیه بر زندگی مسالمت‌آمیز و با حفظ اصول دو طرف، به یکدیگر نزدیک شد، زیرا معنای تقریب این است که مشکلات را کم کنیم و اختلاف‌ها را به کمترین اندازه برسانیم. بنابراین، با همه مشکلات می‌توانیم مسیر تقریب و وحدت را دنبال کنیم.

گفتگو با حجت‌الاسلام صادق گل‌زاده، معاون اسبق فرهنگی پژوهشی مجمع تقریب مذاهب

تنظیم حمید محمدیان

منبع: <https://ir.shrr/Ce9000>